

جرعه‌ای دیگر می‌نوشم
تا چند دقیقه‌ی بعد
آسمان می‌رود.
کمین از لابه‌لای دست‌هایم می‌ریزد،
عطر شیر گرم و دود هیزم نزدیک می‌آید،
سوت کوتاهی می‌زند؛
تپه‌ها بلند می‌شوند
و از روی ما عبور می‌کنند.